

# آلاحیق و کومه: چادرهای نمدی آذربایجان

(قسمت اول)

اشر: پیترا اندروز

ترجمه و تلخیص: صدیفه مصطفوی

ابراهیم سلیمایی کرهرودی

چادرهایی که چادرنشینان شمال شرقی آذربایجان استفاده می‌کنند دو نوع اند:

نوع اول = چادرهای نیمکره‌ای شکل و دیگری دالانی-شکل که هر دو پوششی از نمد دارند. چادرهای نیمکره‌ای از چادرهای گنبدی شکل آسیای مرکزی ریشه گرفته‌اند، مانند چادرهای ترکمنان خراسان، اما به یکدیگر شبیه نیستند و این ویژگی‌ها مسئله‌ایست برای مطالعه و بررسی.

چادرهای دالانی شکل از سنت دیگری ریشه گرفته‌اند مانند چادرهای رایج در تالش و ترکیه.

اغلب چادرنشینان آذربایجان مانند همسایه شان قره داغی‌ها از این دو نوع چادر استفاده می‌کنند. شاهسون اتحاد تعدادی قبیله است که منطقه تابستانی‌اش (بیلاق) در دامنه کوههای سیلان و qoşu در ارتفاع ۴۰۰۰ متری از سطح دریا و با در منطقه مرزی بزکش، باغراو، و تالش است. هنگام زمستان بطرف جلگه کم عمق مغان که در حدود ۱۵۰ کیلومتر از مکان اولی دورتر و نزدیک به مرز روسیه در کنار رودخانه ارس است مهاجرت می‌کنند. این گروه در قدیم به دو ایل: مشکین ایل و اردبیل ایل تقسیم شده بود. اکنون اردبیل ایل اسکان یافته است. با وجود تشویق دولت ایران در مورد استقرار چادرنشینان و طرحهای وسیع آبیاری که بر روی رودخانه ارس پیاده شده هنوز هم تخمیناً هفت هزار چادر و قریب ۵۰۰۰۰ چادرنشین به مغان مهاجرت می‌کنند. افراد این قبایل به گونه‌های مختلف ترکی آذری که به زبان ترکیه شباهت دارد تکلم می‌کنند.

عقیده بر این است که شاهسونها از ترکیه به ایران آمدند تا در پناه شاهان صفویه باشند و نامشان نیز بیان کننده این

وفاداری است، شاهسون "کسانیکه شاه را دوست دارند". مهاجرت شاهسونها از ترکیه به آذربایجان، به نظر ریچارد تاپر، در زمان لشکرکشی تیمور به عنمانی، حدود اواخر قرن ۱۷ میلادی است. و در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی بود که هسته اصلی این قبیله شکل گرفت. اولین ارتباطشان با مغان در سال ۱۶۹۸ کشف شد. علاوه بر ترکمن‌ها، بنظر میرسد که شاهسونها با قبایل کرد، عرب و تالش نیز اختلاط یافته باشند. بعضی از شاهسونها به نقاط دیگر ایران کوچیده و هنوز هم در خرقان، خمسه و فارس سکونت دارند. ولی اینها از آلاحیق استفاده نمی‌کنند بلکه از "سیاه چادر" که از موی بز سیاه درست میشود بهره می‌برند.

طوایف قره داغی از گروهی بسیار کوچک تشکیل میشود، در حالیکه شاهسون ۶ ایل و ۵۶ طایفه دارد. از این ۶ ایل-هنوز ۳ ایل چادرنشینند و ۳۵۰۰۰ چادر دارند. منطقه کوچشان محدود است و جایگاه تابستانیشان دامنه قره داغ و جایگاه زمستانیشان ارسباران است.

مسیر مهاجرت این ۳ ایل در حدود ۳۰ تا ۷۵ کیلومتر است عده‌ای معدود از آنان مسیری در حدود ۱۰ تا ۳۰ کیلومتر طی می‌کنند. به عقیده شاهسونها، قره داغی‌ها دارای موقعیت اجتماعی پائین تری میباشند. این طوایف اگر چه ترک زبان شده اند ولی در اصل کرد اند. بنا بر این از نظر فرهنگی به فرهنگ کردی هم وابستگی دارند.

با دیدن طایفه بالابگ لو، تالش میخائیل لو در ۱۹۲۰ و قره داغی و حاجی علیلو در ۱۹۷۴ به حقایق تاریخی دست یافتیم و دریافتیم که این گروه در حدود ۷۵ سال پیش از بقیه طایفه جدا شده اند.

چادر :

چادرهای شاهسون و قره داغی از نظر ساختمان بهم شبیه‌اند ولی از نظر تزئینات و اصطلاحات بکار گرفته شده در چادر با یکدیگر تفاوت دارند. هر دو گروه چادر نیمکره‌ای شکل را "آلاجیق" و دالانی شکل را "کومه" مینامند. کومه معمولاً از آلاجیق کوچک‌تر است و از جنس خشنی درست میشود که خرجی اندک دارد و با آلاجیق که با دقت و مهارت و ظرافت ساخته میشود قابل مقایسه نیست، حتی از نظر دوام. چه آلاجیق تا ۲۰ سال دوام می‌یابد ولی کومه دوام کمتری دارد.

رجحان آلاجیق به کومه کوچکترین اثری در پایگاه اجتماعی صاحب آن ندارد. ولی هر کومه‌نشین سعی دارد که در مدتی کم کومه‌اش را به آلاجیق تبدیل کند. نسبت آلاجیقها به کومه در حدود ۷ به ۲ است. چگونگی پوشش نمادی و تزئینات داخلی و خارجی آلاجیق مبین وضع اجتماعی صاحب آن است. چادرهای اصلی موما "دارای نمدهائی ظریف و سفیدند. این نمدها با طرح هائی رنگی در جلو و دو طرف تزئین یافته و سردر ورودی منگوله هائی آویزان است و این ویژگیها چادرهای اصلی را از چادرهای دیگر مشخص می‌کند. نمدهای این چادرها به علت باران و گرد و خاک از خارج و دود و حرارت از درون به تدریج قهوه ای و در آخر کار سیاه می‌شوند. این دو مرحله با دو اسم مشخص می‌شوند. "آلاجیق سفید" *âqâlâçix* و *qâraâlâçix*

"آلاجیق سیاه"

آلاجیق از شاهسونها به شرق و جنوب، ترکهای که در مجاورت خلخال زندگی می‌کنند و طایفه افشار که در ناحیه سهند ساکنند، سرایت کرده است و حتی قره داغی‌ها و کردهای مرند نیز از آلاجیق استفاده می‌کنند.

نکته مهم این است که آلاجیق همیشه با کومه همراه است و در اطراف دریای سیاه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از مشخصات و نشانه‌های شاهسون در ایران آلاجیق است. ولی سازنده آلاجیق ترک است نه شاهسون.

نوع دیگری چادر بین شاهسونها و قره داغی ها مرسوم است که نیمه آلاجیق بوده و به شکل نیمکره در توقف گاههای موقت ساخته و چاتما *çâtma* نامیده می‌شود.

استخوان بندی آلاجیق شامل دو قسمت اصلی است، یکی حلقه سقف و دیگری تعدادی میله انحنا دار. قطر دایره سقف یک متر و شامل تعدادی تیرک نازک خمیده است که به اطراف حلقه میخ شده و از نیم رخ نمائی گنبدی شکل پدید می‌آورد. تعداد میله‌های اطراف چادر بین ۲۴ تا ۳۲ عدد است که از یک سو بزمین کوبیده میشوند و از سوی دیگر به لبه حلقه سقف متصل می‌گردند. رو بهمرفته قطر داخل آلاجیق را از ۵ تا ۸ متر میتوان تخمین زد. فاصله حلقه سقف تا زمین ۲ متر است و میله‌ها را باید آنقدر خم‌انید تا اندازه دلخواه دو متر بدست آید. از آنجا که اتصال میله‌ها به حلقه سقف مقاومت چندانی ندارد، از دو عامل دیگر که یکی طنابهای پشمی و دیگری تیر بزرگ و محکمی است استفاده می‌کنند.

برای حفظ تعادل آلاجیق از دو طناب، یکی در جلو و دیگری در پشت که به دور میله‌ها پیچیده و به زمین میخ شده استفاده می‌کنند. در چادرهای بزرگتر از طناب دیگری که از قسمت پائین میله‌ها عبور می‌کند و به استقامت آلاجیق می‌افزاید بهره می‌برند. عامل دوم تیر چوبی بزرگ و محکمی است که در وسط چادر کار گذاشته شده و قرقره ای که طنابی پشمی بدورش پیسچانده اند روی سر این تیر قرار گرفته و به میخ هائی که به لبه سقف کوبیده شده اند متصل میشود. بسا کشیدن سر این طناب میتوان اندازه دلخواه دو متری را به دست آورد. اگر چوبهای سقف و یا این طناب از جای خود حرکت کند تعادل چادر بهم می‌خورد. پایه چادر با دو قطعه حصیر، که از یک طرف به تیرهای در ورودی بسته شده و در عقب چادر رویهم افتاده، پوشیده میشود. سطح بیرونی گنبد چادر را سه تکه نمدمثلشی شکل می‌پوشاند. در قسمت بالای در ورودی دودکش وجود دارد که با دو زائده از جنس نمدم پوشیده شده است و در مواقع ضروری آنرا کنار می‌زنند و سوراخ نسبتاً بزرگی برای عبور دود ایجاد میشود. حلقه سقف نیز با یک تکه نمدم که بصورت کلوش بریده شده پوشیده میشود و در واقع پائین آن روی یقه نمدهای اطراف آلاجیق می‌افتد.

این نوع آلاجیق در مقایسه با آلاجیق‌های آسیای مرکزی ساده تر و دارای مشخصات زیر است :

۱- فاقد دیوار داربست دار استوانه‌ای شکل است.

۲- تعداد تیرها به نصف تقلیل یافته ولی از نظر استحکام مقاومت آن دو برابر شده است .

۳- حلقهٔ سقف تقریباً کوچک است و گنبدی یا تیرک‌های سطح و لبه‌ای کم عمق دارد .

۴- مقاومت آلاچیق بستگی مستقیم به نیروی آن دارد .

۵- در استحکام آلاچیق طناب‌هاییکه به دور تیرهای اطراف آلاچیق بسته و به زمین میخ شده اند نقش مهمی دارند .

۶- برای در ورودی چهار چوب مخصوصی که از تیرهای اطراف محزا باشد وجود ندارد .

۷- تیرهای اطراف بعلت کوچک بودن حلقهٔ سقف اغلب بصورت گنبد در می‌آید .

۸- سقف با سه تکه نمذ مثلثی شکل که دوتایشان بزرگتر است و دو طرف چادر را میگیرند پوشانده میشود .

۹- دودکش در مرکز سقف نیست بلکه بالای در ورودی است .

۱۰- قسمت بالای سقف با یک تکه نمذ پوشانده میشود .

۱۱- با جمع کردن زائده‌های بالای در رودی سوراخ باز و با آویختنشان سوراخ دود بسته میشود .

۱۲- پردهٔ حصیری که در پائین قرار می‌گیرد ارتفاعی کم دارد .

کومه در میان قبایل تالش، تاریم، بلوچ و مناطق مختلف نارس و کرمان، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکیسه مروان است و در آسیای میانه کمتر مورد استفاده دارد . در انگلستان نیز کولیپان از کومه استفاده می‌کنند و به آن bender می‌گویند .

در کومه شاهسونها حدود ۷ تا ۸ تکهٔ بلند خمیده وجود دارد که یک سر آنها را بفواصل ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر در زمین فرو می‌کنند و سر آزادشان را به یکدیگر می‌بندند و با استفاده از قابلیت انعطاف آنها، ارتفاع ۲/۵ متری بوجود می‌آورند .

داربست آن بشکل دایره است که طنابی برای استحکام بدور آن می‌پیچند . در یک طرف چادر جاییکه فاصلهٔ تکه‌ها مناسب باشد در ورودی را قرار میدهند . قسمت عقب کومه را با یک نمذ بزرگ مثلثی شکل و پهلوه‌ها را با دو تکه نمذ دراز مستطیل شکل می‌پوشانند و یک تکه نمذ دراز و باریک روی سر کومه می‌اندازند که یک سر آن در پشت چادر و سر دیگرش سوراخ دود

را می‌پوشاند . ساختمان کومه با صفحه‌ای حصیری برای در - ورودی همانند آلاچیق تکمیل میگردد . فضای داخل کومه در حدود ۵ متر است .

نمای کومهٔ قره داغی گرچه شباهتی با کومهٔ شاهسون دارد ولی کمی کوتاهتر از آن و عرضش در حدود ۳ متر است . تفاوت اصلی میان کومهٔ قره داغی و شاهسون در بست های پائینشان است . این کومه ها فاقد رشته های مخصوص دور گمان است . این نوع چادر به چادر تالش ها شباهت بسیار دارد و تفاوتشان با آنها در این است که تالش ها ریسمانی مخصوص و صفحه ای حصیری و یک تکه نمذ که روی تمام نمدها کشیده میشود ، دارند . و همینطور این سیستم در حاجی علیلو و قره داغی های میان دو آب رایج است .

### محل چادر :

چون چادر نشینان هر ساله هبلاق و قشلاق می‌کنند و منطقهٔ چراگاه دامپاشان هم مشخص و محدود است ، لذا همیشه و هر سال چادر هایشان را در مکانهایی معین و مشخص بر پا می‌کنند .

جایگاه تا بستن ایشان را بیشتر در شیب تپه‌ها ایجاد میکنند در غیر اینصورت مکانی را برای آن صاف و هموار می‌کنند . برای چادرهای بزرگتر مانند چادر رئیس ، دیوار کوتاه سنگی به شعاع یک متر بزرگتر از چادر درست می‌کنند بعضی اوقات این دیوار - خاکی است . وقتی که این دیوار سازی و زیر سازی در شیب قرار می‌گیرد ، در پشت دیوار یک آبراهه ایجاد می‌کنند که در جلوی چادر حوضچه ای تشکیل میدهد که آب آن برای شست و شو استفاده میشود . اطراف چادر را تا فاصلهٔ ۵۰ متری از سنگ ریزه پاک می‌کنند تا برای چرای گوسفندان مفید باشد . در داخل چادر سکونی به ارتفاع ۲۰ تا ۱۰ سانتیمتر درست می‌کنند تا جای مناسبی برای اشیاء بوجود بیاید که از نم مصون باشد . اجاقی نیز در جلو چادر با سنگهای مستطیل شکل میسازند . این اجاقها و سکوها همیشه پابرجاست و از اینرو پس از برداشتن چادر خیلی راحت میتوان محل چادرها را شناخت .

### توقفگاه :

بزرگی و کوچکی توقفگاه بستگی کامل به چراگاههای اطراف

آن دارد. در قدیم این تناسب به مسائل دیگری از قبیل حمله دسته جمعی گرگها و راهزنان بستگی داشت و موجب بود که گروههای بیشتری با یکدیگر در یکجا منزل کنند تا قادر به دفاع باشند. امروزه بعلت وجود پاسگاههای ژاندارمری در تمام نقاط ایران از راهزنی خبری نیست و جایگاه ناستانی شامل ۴ تا ۵ چادر است که در فواصل صد متری هم در وسط چراگاه زده می شود. در زمستان دو یا سه گروه با یکدیگر چادر می زنند و با یکدیگر کوچ می کنند. ترتیبات برپا کردن یک توقفگاه چندان مشخص نیست و با طبیعت رابطه ای مستقیم دارد.

بطور کلی میتوان گفت چادرها بهم نزدیکتر و درهای ورودی چادرها بطرف شیب تپه و یا در جهت مخالف یادهای دائمی است. چادرهای فرهادیگ از ایل تالش میخائیل لورا دیدم که در گودانی برپا شده بود. چادر رئیس اندکی دورتر در قسمتی که مرتفع تر و خلوت تر بود برای تسلط کامل بر دیگر چادرها برپا شده بود.

بطور کلی خیمه گاه را "ابه" می نامند و برای بزرگی و کوچکی آن واژه ای خاص ندارند. چراگاه در چهار فصل بهار، تابستان، پاییز و زمستان نامی مخصوص دارد که به ترتیب *güzük* ، *yâylâx* ، *yâz lâx* ، *qış lâx* خوانده می شود.

شاهسونها قبل از اینکه به مقر تابستانی خود در بالای کوه سیلان بروند، ماه خرداد را بعنوان جایگاه بهاری در - پائین کوه سیلان می گذرانند. دو ماه تیر و مرداد را بر سر کوه خواهند بود و دوباره در ماه شهریور به پائین کوه سیلان نقل مکان می کنند. شاهسونها قبل از حرکت بسوی مغان در دشت برای خرید مقداری خوار و بار و وسایل مورد احتیاج توقف می کنند. قبل از اینکه به مغان برسند در اول نیمه آبان چند هفته ای نزدیک مغان که جایگاه پاییزیشان است می مانند و در این مدت جایگاه زمستانی خود را که در چند کیلومتری محل پاییزی است آماده می کنند. در اواخر آبان به جایگاه زمستانی اسباب کشی میکنند و تا اواسط فروردین در آنجا می مانند. در اواخر فروردین از این محل نقل مکان می کنند و یک ماه در چراگاههای زمستانی بسر می برند و در اول اردیبهشت بطور کلی از جایگاه زمستانی کوچ می کنند. بنابراین چادرهای این

افراد در طی سال حداقل ۶ بار جابجا میشود. در مسیر کوچ خود ۱۵ منزل دارند که از قدیم بوده و اکنون بصورت سنت در آمده و به آنها *Düşerge* می گویند. شاهسونها حدود ۳۵ روز در سال مشغول جابجا کردن چادرهایشان می باشند. گاه برای سهولت در کوچ، خویشان نزدیک در یک چادر، یا آلاچیق که فاقد تیرک وسط و حصیرهای اطراف است زندگی می کنند. این توقفگاهها با توقفگاههای زمستانی یک فرق کلی دارد و آن اینست که توقفگاههای زمستانی مجهز تر و دارای یک ردیف پناهگاههای زیرزمینی یا روی زمینی است که افراد یا دامها از آن استفاده می کنند. این پناهگاهها بشکل مستطیل به عرض ۲ تا سه متر حفر شده و روی آنها با نی پوشانده و با ۱۰ سانتیمتر گل اندود کرده اند. هر پناهگاه حفره ای برای ورود و خروج و هواکشی نیز دارند و از دور به شکل تپه در می آیند.

استخوان بندی آلاچیق و اندازه آن :

حلقه سف و میله ها که *çâti* نام دارند از صنعتگران اردبیلی خریداری میشوند. وقتیکه تمام قسمت های آلاچیق به یکدیگر متصل شدند و سر چادر توسط تیر میانی بصورت گنبد درآمد، میله ها به موازات هم در می آیند. و اندازه های آن به ترتیب از استقرار است :

چادر ۲۴ میله ای ۶۵۰ - ۵۳۵ سانتیمتر، ۲۶ میله ای ۷۵۰ - ۷۰۰ ، ۲۸ میله ای ۷۵۰ و ۳۲ میله ای ۷۷۰ سانتیمتر. از روی این اندازه ها می توان پی برد که زیاد بودن میله ها چندان تاثیری در بزرگ و کوچکی چادر ندارد. هرگاه تعداد میله ها افزایش یابد تا حجم بیشتری حاصل شود به نمد هائیز باید افزوده شود. این افزایش از عهده کسانی که استطاعت مالی کافی ندارند ساخته نیست. سنگینی استخوان بندی و پوشش چادر بطور کلی بر روی سقف گنبدی شکل است. اگر چادر را بزرگتر بسازند، گنبد آن را نیز باید بزرگتر کنند و این خود تا حد معینی امکان پذیر است.

نسبت بلندی چادر به بزرگی آن بسیار اندک است یعنی ارتفاع یک آلاچیق ۲۴ میله ای کمی کمتر از ۲ متر و یک آلاچیق بزرگتر کمی بیشتر از ۲ متر است. مانع اصلی در راه افزایش

می‌گیرند و اندازه شان در حدود  $25/0 \times 3$  سانتیمتر است .

میله ها ( تیرهای اطراف چادر ) :

تمام میله‌های چادر یک شکل بوده و همه بصورت مستطیل به ابعاد ۴ سانتیمتر به  $25 - 225$  سانتیمتر اند . آخرین هشت سانتیمتر بر بالای میله‌ها را نازک می‌کنند که در سوراخهای حلقهٔ سقف جا بگیرند ، پائین میله‌ها را نیز نازک و نوک نیز می‌کنند که در زمین کوبیده شود . اندازهٔ میله‌ها بستگی به اندازهٔ چادر دارد ، و اندازه‌ای ثابت ندارند . در آلاچیق ۲۴ میله‌ای درازای آنها  $3/15$  تا  $3/85$  متر است ، در حالیکه در ۲۶ میله‌ای  $4/20$  تا  $4/42$  متر و در ۲۸ میله‌ای  $4/40$  تا  $4/50$  و در ۳۲ میله‌ای  $4/60$  متر است .

سر میله‌ها در حدود  $5/5$  سانتیمتر درون سوراخهای

سقف و در پائین بین ۳-۵ سانتیمتر در زمین فرو می‌روند . در نیمهٔ بالای تیر حدود ۳۰-۴۰ سانتیمتر انحنا وجود دارد که بعد از سوار کردن آلاچیق بیشتر میشود و در آلاچیق ۲۴ میله‌ای ۴ سانت و در چادر های ۲۸ و ۲۶ میله‌ای تا ۷۵ سانت میرسد .

میله‌ها را *čubux* می‌نامند ، ( ایت‌لند *Optland* در نوشته‌هایش از آن به عنوان *čabux* یاد می‌کند ) چون در ضخامت تیرها تفاوت‌هایی وجود دارد ، دو تا از کلفت‌ترین آن‌ها را برای طرف درج ورودی چادر انتخاب می‌کنند و آنها را *qäpi čubuxlâr* می‌نامند . این چوبها با دیگر چوبها وجه تمایز دیگری جز این ندارند که تنها یک بریدگی کوچک در پشت آنها که آنها را از دیگر میله‌ها جدا سازند بوجود می‌آورند .

تیر وسط چادر :

تیر وسط چادر را *čöski* یا *čöski* می‌نامند که از چوب درخت توت و یا چوب مناسب دیگری به قطر ۱۰-۱۲ سانت و با بیشتر ساخته میشود . درازای آن ۱۲۰ سانت است که ۶۰ سانت پائین آن را نازک می‌کنند ولی قسمت بالایی به حال اولیه باقی میماند . در سر بالای آن سوراخ گرد و آریبی درست میکنند که از داخل آن یک میخ چوبی بنام *dâmâx* بطول ۳۰ سانت عبور می‌دهند بطوریکه از هر دو طرف بطور مساوی بیرون بزند و سر این چوب ( تیر وسط ) را با حلقه‌ای آهنی محکم می‌کنند که ترک بر ندارد و نشکند . این تیر به

ارتفاع چادر در این است که شخص باید حلقهٔ سقف را بالای سر نگهداشته و دست‌ها را به اندازهٔ یک متر باز کند در نتیجه قادر نخواهد بود که حلقهٔ سقفی را بالاتر ببرد ، بخصوص که اصولاً این افراد قدی متوسط مایل به کوتاه دارند . اگر ارتفاع تیرهای اطراف به ۲۱۵ متر برسد ارتفاع تیر وسط به ۲۳۰ متر می‌رسد که ارتفاعی است دلخواه . محدود کردن بلندی چادر سقف آلاچیق را مسطح می‌کند و تیرها زیر فشار بیشتری قرار می‌گیرند . زمانیکه حجم چادر افزایش یابد ، تیرها در برابر فشارهای مختلف استقامت خود را از دست میدهد و بهمین دلیل از ریسمانهای اضافی برای چادرهای ۲۸ میله‌ای استفاده میکنند تا مقاومت را افزایش دهند .

دلیل نایاب بودن آلاچیق‌های ۳۲ میله‌ای از همین مسائل اقتصادی و ساختمانی سرچشمه می‌گیرد و دلیل اینکه چادرهای ۳۰ میله‌ای ساخته نمیشود شاید در این است که فرق چندانی با چادرهای ۲۸ میله‌ای ندارد و اینکه عدد ۳۰ بر ۴ قابل قسمت نیست . در طول مدتی که در این محل به تحقیق پرداخته بودم تنها یک بار یک آلاچیق ۳۲ میله‌ای دیدم که از قرار معلوم تا ۴ سال پیش در بین روسا و بزرگان رواج داشته است و رواج آنهم به دلیل اعتقاد خاصی به عدد ۳۲ بوده است .

حلقهٔ سقف :

در حال حاضر به حلقهٔ سقف چمبره *čemberes* می‌گویند . در دو مورد دیگر نام دیگری داشته است . قاب حلقه‌ای روی سقف از دو تیر چوبی بصورت نیم دایره که روی یکدیگر افتاده‌اند ( باندازهٔ ۲۰-۳۰ سانتیمتر ) تشکیل می‌شود . ضخامت این تیرها به نسبت اندازهٔ چادر تغییر میکند ولی قطر داخلی آن در همه ۹۰ سانتیمتر است . برای اتصال این حلقه به سقف چند تسمه آهن بکار می‌برند که سرهایشان باسیم به قسمت خارجی این حلقه بسته میشود . سر تیرها از بیرون با چندین میخ آهنی *mismâr* یا *qadax* به تیر دیگر کوبیده میشود . تعدادی سوراخ  $2/5$  سانتیمتری در وسط این تیرها تعبیه میشود که تعداد شان بر حسب اندازهٔ آلاچیق متفاوت است .

سوراخهای دیگر که *delix* یا *kân* نامیده میشود در قسمت بالای این حلقه تعبیه میشود که اسپک‌ها در آن جا

چند طریق مختلف بکار گرفته میشود در بعضی جاها از یک شاخه چنگال مانند استفاده میکنند. شاخه‌های بلندتر را در زمین فرو میکنند و شاخه‌های کوتاه‌تر که بیرون می‌ماند تشکیل قلابی را میدهند که قرقره بدان آویزان میکنند. وقتی که زمین سخت باشد، توده‌ای از سنگ درست کرده و تیر را وسط آن قرار میدهند و کبسه‌ای بر از سن را بر آن می‌آویزند. در مورد تیر وسط چادر اعتقادات خاصی وجود دارد. هنگام عروسی، وقتی که چادر عروس را برپا میدارند تیر وسط چادر پدر و مادر داماد را می‌آورند، نو و کهنه بودن آن مهم نیست، و پدر و مادر داماد باید برای خود تیر دیگری دست و پا کنند. این تیر را پدر و برادر عروس و در وقت نبودنشان عموی وی تساهل محل چادر عروس همراه با خواندن ترانه‌های محلی حمل میکنند. مضمون این ترانه‌ها این است: دخترم امیدوارم که تو را در کانون گرم خانوادگی، همراه با شوهر جوانات به نیرومندی و استقامت این تیر ببینم.

#### میخ‌های چوبی:

میخ‌های چوب *yân mixlâr* نامیده میشوند، تعدادشان چهار عدد است که هر یک ۳۰ تا ۴۰ سانت درازا و ۳-۴ سانتیمتر قطر دارند و دور تا دور چادر برای نگهداری سر طنابها به زمین کوبیده میشوند. اگر دور تا دور چادر را مانند صفحه ساعت فرض کنیم، میخ‌ها به ترتیب یکی روی عدد ۲، یکی روی ۴، یکی روی ۸، و آخری روی ۱۰ قرار می‌گیرند، و در ورودی روی عدد ۱۲ است. اگر طنابها بلند تر باشند میخ‌ها به ترتیب روی اعداد ۱۵ و ۷ و ۱۱ قرار می‌گیرند. دو میخ چوبی دیگر نیز گاهی اوقات برای بستن نمد عقب چادر در طرفین در ورودی کوبیده میشوند. این میخ‌ها را *čârpi* یا *yellix* می‌گویند و آنها را در قرقره داغی دیدم.

برای کوبیدن این میخ‌ها از یک چکش چوبی سنگین بنام *toxmân* که بشکل استوانه و بطول ۳۰ سانت و قطر ۱۵ سانت با زاویه ۹۰ درجه روی دسته‌ای بطول ۶۰-۸۰ سانت و قطر ۳۰-۳۵ سانتیمتر قرار گرفته استفاده می‌کنند.

#### در ورودی:

در ورودی باطنابهای کوچک منگوله‌داری بنام *qâpi qotaz*

یا *pončâx*، از نوارهای بافته شده با رنگهای مختلف تزئین یافته است. هشت رشته از این نوارها که درازای هر یک در حدود یک متر است در حد فاصل دو تیر مشخص‌کننده ذرورودی آویزان میشود. پائین هر رشته نوار نیز با منگوله‌های تزئینی زینت شده است.

#### نمد:

تنها واژه‌ای که شاهسونها برای نمد بکار می‌برند *kečeler* میباشد که معنی کلی نمدهای روی آلاچیق را میدهد هر چند که گاه نمدها در ضخامت اختلافی بین ۲-۱/۵ سانت دارند ولی اغلب ضخامتشان یکسان است. نکته مهم دیگر این است که کلیه نمدهایی که روی آلاچیق می‌افتند بجز نمدی که در بالای چادر قرار می‌گیرد، همه بصورت سه گوش بریده میشوند که براحتی روی سقف گنبدی شکل آلاچیق قرار بگیرند تا همه سطح آن را بپوشانند. پهنای این تکه‌های سه گوش، به نسبت فاصله تیرها از یکدیگر و بزرگ و کوچکی چادر متفاوت است. نمد و این سه گوش‌ها هر دو در حقیقت یک اسم دارند *qâlîp* یا *qâlîp*. درز نمدها، بعلت ضخامت نمد دو بار، یک بار از رو و بار دیگر از پشت با نخ زنجیره‌ای پشمی و یا نخ صنعتی پنبه‌ای تابیده شده دوخته میشود.

دو عدد نمد پهلویی *yânkeče* و نمد پشتی *dâl keče* تمام آلاچیق، بجز حلقه، سقف را می‌پوشانند. طول این نمدها باندازه طول میله‌هاست. بالای آنها بصورت هلالی بریده شده است. تکه نمدهای بالایی که تعدادشان از نمدهای پائین کمتر است بشکل یقه *ârâxčîn* بوده و به قسمت بالای تکه نمدهای پائین دوخته میشوند و در حدود ۱۰ سانتیمتر آن بطور آزاد آویزان میگردد.

لبه منحنی نمد در دو طرف در ورودی با نوارهای دست باف با رنگهایی ساده که به آن *yâxlîx* می‌گویند شش سانت پهنای دارند زینت می‌یابند. پائین ترین قسمت نمد که ناصاف است همیشه ساده باقی میماند.

در چادرهای بزرگتر و اعیانی تمام نمدها، بارشتمای سیاه و نیلی بصورت خطوطی متقاطع که ۲۰۰ سانتیمتر طول و ۶۰ سانتیمتر پهنای دارند تزئین میشوند. برای اینکه ضخامت بیشتری به این رشته‌ها بدهند آن را بطور سه لایه



می‌تابند و سپس با نخ‌های نازک آن را میدوزند. طرحهایی که در دو طرف در ورودی بکار می‌گیرند تقریباً "قرینه" یکدیگرند. در قسمت بالای در ورودی یک تکه نمد سه گوش آویزان است که روی در را می‌پوشاند. طول این تکه نمد از ۶۰ تا ۱۴۰ سانتیمتر تجاوز نمی‌کند. این طریق نمد گذاری در بالای در موجب میشود که با کنار زدن آن سوراخ هواکش پدید آید و با پوشاندن آن سقف کاملاً بسته شود.

بقیه نمد، در کنار لبه، گاه ممکن است بوسیله نخ کلفتی از پشم قهوه‌ای که در دو خط موازی بطرف پایین بر می‌گردد و در امتداد لبه نمد تا حلقه بام بالا میرود زینت یابد و لبه‌های مستقیم نمد سه گوش عقبی نیز ممکن است با همان دو خط تا فاصله ۳۰ سانتیمتری زمین تزیین شوند.

هر چند که لبه پایین نمد به زمین نمی‌رسد ولی تا چند سانتیمتری آن پایین می‌آید و هر یک از سه نمد روی بام انحنای میله‌ها را تا حلقه بام می‌پوشانند، بنابراین درازای سه گوشها وابستگی نزدیک به اندازه چادر دارند.

نمدهای پشتی معمولاً "باندازه" یک سه گوش از نمدهای پهلویی کوچکترند و گاهی نیز ممکن است که یک اندازه باشند بنا بر این در پشت چادر بین ۶ تا ۸ و در پهلوها تا ۱۴ تکه نمد وجود دارد. بعنوان مثال یک چادر ۲۴ میله‌ای متعلق به "طالبش میخائیل لو" منهای نمد پشتی آن دارای ۱۰ تا ۲۰ نمد پهلویی است.

نمد پشتی دو رابط در هر لبه دارد. رابط‌ها گسه *čölqâšî* یا *čölipi*، یا در حاجی علیلو *yânbašî gelin qâšî* نامیده میشوند با سبک خاصی درست میشوند که نام دارد.

محل اتصال نمدها به شکل بسته سه سوری (پنجه کلافی) *čârpana* یا *čârpanix* درست میشود که فشار وارده از بالا را در ۷۰ سانتیمتری لبه پخش می‌کند. در چادرهای بزرگ تر رابطی کامل به اندازه ۵۵ سانتیمتر با نضام یک بسته سه سوری ۵۰ سانتیمتری دیده میشود.

رابط‌هایی که روی لبه جلویی و لبه عقبی نمد پهلویی قرار میگیرند طوری ترتیب یافته‌اند که جای در ورودی و سوراخ دود را پدید می‌آورند. سلبقه فردی در درست کردن و بافت این رابط‌ها نقش فراوان دارد. افراد مهم قبیله چادر هایشان

را بطرز باشکوهی با همین رابط‌ها که نقش‌های فراوان دارند زینت میدهند و حال آنکه مردم معمولی قبیله از رابط‌های ساده استفاده میکنند.

وقتی که نمد از پشم ساده درست شود، تسمه‌ها و رابط‌ها معمولاً "به رنگهای نارنجی-سرخ و یا از غوانی انتخاب می‌شوند. مهمترین زیور چادر یک گل منگوله‌ای شکل پر زرق و برق پشمی است که در "طالبش میخائیل لو" آن را از پشمی برنگهای سرخ و آبی سفید درست می‌کنند. عرض این منگوله ۹ سانتیمتر است و بر پایه‌ای بطول ۲۰ سانتیمتر با نخ آبی تیره بسته میشود. لازم به یادآوری است که این منگوله در راس چادر جای می‌گیرد. در *geyiklu* این منگوله به شکل صلیب است و طول آن در حدود ۳ سانتیمتر و ارتفاع آن ۲۵ سانتیمتر است. این صلیب در *Huseyn âxli* نیز دیده میشود که آن را با رنگ‌های آبی و نارنجی زینت می‌دهند. این منگوله (کاکل) بهر صورت که باشد *gotâz* نامیده میشود.

محل دوخته شدن نمدها به یکدیگر نصف النهاراتی-بوجود می‌آورند که چادر را بقطعاتی تقسیم می‌کند. که گاهی این قطعات با طرح "شاخ قوچی" تزیین می‌شوند. از نظر نمای داخلی و خارجی اینطور به نظر میرسد که چادر از سه لایه نمد تشکیل شده است، ولی این تردید وقتی است که انسان قادر به دیدن قطعات سه گوش بالائی و پائینی نمد که بهم دوخته شده اند نباشد.

#### در ورودی:

در ورودی از یک تکه حصیر قابل انعطاف بطول و عرض تقریباً ۱×۳ متر که تکه نمدی روی آن میکشند درست میشود. رشته‌هایی از پشم بز در بافت حصیر در ورودی بکار می‌رود. با این رشته‌ها ساقه‌های نی را دوتا دوتا بطوریکه در هر دسیمتر تعدادشان به ده عدد برسد کنار هم قرار میدهند و به یکدیگر می‌بافند. این رشته‌ها که شباهت به نوار دارند سفید رنگ بوده و *bâylix* "باغلیخ" نامیده میشود.

نمدی که برای در ورودی درست میشود بضخامت نمدهای دیگر است. این نمد را روی در حصیری می‌کنند و دو طرف لبه‌های آن را که ۱۰ سانتیمتر بر می‌گردد، از پشت به صفحه حصیر می‌دوزند. ممکن است نمد را با دو ردیف دوخت سفید و نارنجی

تزیین کنند .

روی در را معمولاً "از طرف خارج با طرح‌هایی که از خطوط، حلقه‌ها، دوایر و نقطه‌هایی که از پشم آبی یا قهوه‌ای شکل گرفته‌اند آرایش می‌دهند و جاهای خالی آنرا با پشم نرزم، سبز و یا نارنجی پر می‌کنند .

این طرح بطور کلی یک مستطیل است که بوسیله دو مثلث از بالا و پایین به لبه‌های در نزدیک و متصل میشوند . گاه خطی مستقیم مستطیل را به دو بخش تقسیم می‌کند و این دو بخش با تقاطع خطوط‌های اریبی دیگر یک مجموعه لوزی را تشکیل می‌دهند .

در ورودی با رابطه‌ایکه  $qâpîlîşînbâşî$  یا  $qâpîbâşî$  نام دارد و دو جفت رابط دیگر "yellix" به بدنه چادر متصل میگردد . اغلب لبه‌ها و پایین این رابطه‌ها منگوله دوزی شده است .

بافت گرد  $Topkeçme$  که از هشت قسمت درست شده است ، ۴ قسمت از یک رنگ و ۴ قسمت از رنگی دیگر ، بافت پهن  $gelin qâşî$  که مثل بافت قبلی است با این تفاوت که تخت و ضخیم است . طنابهای کنفی که  $kendir$  خوانده میشوند بعضی مواقع بجای پشم برای درست کردن طناب بکار میروند . طنابهایی که در پایین کشیدن تاج چادر بکار میروند  $çöskü örmeşî$  یا  $çösküipi$  نام دارد که این طناب ۱۲ متر طول دارد و از هشت قسمت تشکیل شده که چهار قسمت سیاه و بقیه سفید است . در یک سر این طناب یک قلاب چوبی محکم  $doşâmâx$  وجود دارد که از شاخه درخت بدست میآید و دارای زاویه ای ۳۰ درجه است . هر بازوی آن ۲۵ سانتیمتر طول و  $۳/۵$  سانتیمتر قطر و دنباله آن ۱۰ سانتیمتر درازا دارد . این قلاب  $kişî$  (نر) بعنوان قرقره بکار میروند .

### تسمه‌ها :

در میان قبایل مختلف انواع مخصوصی تسمه وجود دارد که به رنگهای گوناگون از رنگ سبزیجات درست میشوند . این تسمه‌ها در طوایف گیگلو ، حاجی خوجالو و قوحابیکلو اهمیت فراوانی دارند .

روش‌هایی که در بافت این تسمه‌ها بکار میروند عبارتند از : روش ساده و یا طرح پیچ . بافت یا طرح ساده  $qîlîja$  که مکمل روش جفت پیچ  $iadi$  است .

تسمه‌ها  $bâstîrix$  ۶ تا ۷ سانتیمتر عرض دارند و متناسب با طول چادر درست میشوند . این تسمه‌ها در چادرهای ۲۶ میله‌ای ۱۷ متر طول دارند با طرح  $dörteşîzi$  که دو رنگ است .

تسمه‌های پایه هر چند که معمولاً " ۱۱-۱۲ سانتیمتر عرض دارند ولی گاهی به عرض  $۷/۵$  سانتیمتر درست میشوند . گاه در چادر ممکن است تنها یکی از این تسمه‌ها وجود داشته باشد که طول آن به ۲۴ متر برسد .

تسمه‌های بام  $yânnîx$  ،  $gözex$  یا  $gergiç$  نام دارد که دارای عرضی حدود ۱۷ سانتیمتر و طولی برابر ۷۸ سانتیمتر است که لبه‌ها و پایین آن را گاهی با تورسیاه زیت می‌دهند . هر سر آن سه طناب کوتاه حلقه دار دارد که بسه پایه‌های در ورودی بسته میشوند . این تسمه بام را چون-

### حصیرها :

تکه‌های حصیر را  $çix$  یا  $çiş$  می‌نامند و با شیوه‌ای خاص که در ایران و آسیای میانه رواج دارد می‌بافند . نی‌ها را به درازای ۶۰ - ۷۰ سانتیمتر می‌برند و با رشته‌ای از پشم بز به یکدیگر متصل می‌کنند . به این ترتیب که ساقه‌ها را دوتا دوتا کنار یکدیگر قرار میدهند و رشته‌ها بدور آنان به حالت نیم دایره از روی وزیر می‌پیچند و عبور میدهند . تعداد این رشته‌ها چهار تاست و  $duzgullu$  نامیده میشوند . روزگاری از نخ‌های پشمی استفاده میشد ولی امروزه بیشتر از نخ‌های صنعتی و کارخانه‌ای استفاده می‌کنند . نخ‌های موئی و پشمی را  $qâtmâ$  و پنبه‌ای را  $tâvlâmâ$  می‌نامند . در دو طرف حصیر یک جفت طناب کوتاه و حلقه دار وجود دارد که  $âşîq$  ،  $cilik$  یا  $işkil$  نام دارند . این طناب را از الیاف درختی آبی که دارای چوب سفتی است و در مقابل چشم زخم محافظ خوبی است درست می‌کنند . این طنابها حصیر را به پایه‌های در ورودی متصل میکنند .

### مجموع طنابها :

طنابهایی را که در چادر بکار میبرند از پشم و گاهی از کنف درست میکنند ولی بافت این طنابها به دو گونه است .



و šâsi و طرح شطرنجی که ülduz (ستاره) و یا qâpâja (شطرنجی) نامیده میشود. در قره داغی طرح دیگری وجود دارد که شامل مجموعه ای بشکل های s مانند است که به آن qâyčiqupli (دسته قیچی) بادر حاجی علیلو čâxmâx گفته میشود. همینطور طرحهای ساده ای با نام های qiyuâx (سم) âšlîq (استخوان قوزک پا - بند انگشت) dârâx (شانه) yârpâx (برگ) و یا čâlmâ (پله گذاری) و غیره مورد استفاده قرار میگیرند در عقب چادر جاشیکه رابطه های نمادی از روی یکدیگر عبور می کنند شبکه ای زیبا از رنگ بوجود می آید. زمانی که نمد سفیدی در زیر این شبکه وجود داشته باشد زیبایی آنها چند برابر است و جلوه ای خاص دارد.

بقیه در شماره آینده

دایره ای در بر می گیرد. زمینه این تسمه با زری های روشن و با طرحهای شش ضلعی رنگارنگ مثل یک گل، زینت میشوند. زمینه این تسمه ها گاهی آبی تیره، یا شبکه بندی زرد رنگ و نارنجی است و گاه گل های قرمز، سفید، زرشکی در آن بکار رفته است.

هر چند که امروزه بندرت میتوان یک جفت تسمه هم دید ولی در زمانهای گذشته از این تسمه ها برای زینت چادر رئیس (خان) بحد زیاد استفاده میشده است.

طول تسمه هایی که برای بستن دو نمد پهلویی و جلویی یا عقبی بکار گرفته میشوند معمولا " بیک اندازه اند. معمولی ترین طرحهایی که در بافت "جفت پیچ" بکار میروند عبارتند از:

pišik tîranši یا " پنجه گربه ای" čeček leme

